



امکان‌سنجی و الزامات نظارت در شرکت‌های سهامی ایران و آلمان با تأکید بر سازوکار نظارتی و گزارشگری مالی BaFin

طاهره شکری^۱
منصور عطاشنه^۲
علیرضا مظلوم رهنی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف امکان‌سنجی و الزامات نظارت در شرکت‌های سهامی ایران و آلمان با تأکید بر سازوکار نظارتی و گزارشگری مالی BaFin انجام شده است. در کشور آلمان اجرای گزارشگری مالی در آلمان تغییر ساختار یافته است. به این ترتیب که از ابتدای سال ۲۰۲۲ بافین، به عنوان تنها نهاد نظارتی، مسئول بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی عام است. هیئت نظارت در آلمان عموماً توسط سهامداران به عنوان بخشی از تصمیمی که توسط مجمع سهامداران تصویب می‌شود منصوب می‌شود. در زمان چالش‌های اقتصادی و فناوری، بسیار رایج است که اعضای مجمع سهامداران به تنهایی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خط مشی شرکت را تعیین کنند، در مورد اقدامات مهم مدیریت تصمیم بگیرند و بر آن نظارت کنند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نظارت در شرکت‌های سهامی با تأکید بر حقوق سهامداران در نظام حقوقی ایران و آلمان را بر مبنای فلسفه حقوقی دو کشور دارای مبنای مشترکی می‌باشد، اما به لحاظ رویه و نحوه فعالیت شرکت‌ها در حقوق آلمان با توجه به قانون حاکمیت شرکت ۲۰۱۷ و سازوکار نظارتی بافین (BaFin) دارای وجوه تمایزی در راستای حقوق مالکانه صاحبان سهام و حقوق سهامداران می‌باشد. در صورت کشف موارد مشکوک در حسابداری شرکت‌ها، بافین این اختیار را خواهد داشت که مستقیماً مداخله کند. اگر مورد مشکوک جدی باشد، این نهاد می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های لازم (دادگاهی، قانونی)، موضوع را با دقت بررسی کند. نتایج تحقیق بیانگر این همه است که نظارت در شرکت‌ها با چالش‌های ساختاری مانند سازوکارهای

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، ایران، (نویسنده مسئول):

lawful8411@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مالی جدید و قانونی مانند ساکت ماندن قوانین ایران درمورد تعیین نحوه رابطه ناظر با شرکت، تعیین قوانین صریح در حوزه نظارت نامحسوس روبه‌رو است.

کلید واژه‌ها

نظارت، شرکت‌های سهامی، هیئت نظارت، حقوق ایران، حقوق آلمان، سازوکار نظارتی بافین.

مقدمه

نظام نظارت بر شرکت به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای کنترلی و نظارتی می‌تواند عامل مهمی در جهت برپایی عدالت گردد. ایجاد و اجرای نظام نظارت بر شرکت برای کشورهایی که قصد اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی به ویژه از رهگذر انتشار سهام را دارند، به صورت یک الزام سیاسی و اقتصادی است. اگرچه سطح مالکیت شرکت‌های سهامی بزرگ‌تر، در کل جامعه ایران فراگیر نشده است اما، واگذاری سهام عدالت و تحقق شعار عدالت محوری در سطح جامعه، ضرورت توجه به نظام نظارت بر شرکت را نشان می‌دهد. در آلمان بحث مشارکت سهامداران در شرکت روندی بوده که با قدرت گرفتن تدریجی سسهامداران صورت گرفته پس در مقام الگوبرداری مناسب باید این نکته را در نظر داشته باشیم یعنی برای رسیدن به هدف باید به صورت تدریجی با قدرت گرفتن سهامداران قوانینی نیز تدوین شود. ازاین رو سهامداران می‌بایست مذاکرات تدریجی و سه جانبه‌ای را با دولت و کارفرمایان انجام دهند تا به حق خود دست یابند. بدیهی است بدون تعامل ما بین این سه گروه هر قانونی تصویب شود عملاً نتیجه‌ای را در پی نخواهد داشت. همچنین وجود ثبات در مدیریت و امنیت شغلی سهامداران حائز اهمیت است برای اینکه کارگری که از امنیت شغلی کافی برخوردار نباشد به طریق اولی نخواهد توانست در مدیریت شرکت هم نقشی داشته باشد همچنین با وجود اتحادیه‌های کارگری ضعیف و وجود شرایط اقتصادی نامساعد نمی‌توان به هدف دست یافت. در حقوق ایران، قانون الزام آور بخصوصی پیرامون «نظارت در شرکت‌ها» وضع نشده است و بررسی مقررات مختلف مرتبط با شرکت‌های سهامی عام، نظیر «لایحه قانونی ۱۳۴۷» و آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به «نظام اداره شرکت‌ها»، رویکرد ضعیف حقوق ایران را نسبت به اکثر این شاخصه‌ها نشان می‌دهد. ازاین رو لازم است که با رویکرد بومی‌گرایی، بر مبنای این شاخصه‌ها، به ویژه در زمینه تفکیک مالکیت از کنترل، کاهش هزینه‌های نمایندگی و حمایت جدی از حقوق سهامداران اقلیت قانونگذاری‌های لازم صورت پذیرد. هرچند که طبق نظریات کلاسیک چون کارگران علی‌الاصول سهمی در مالکیت شرکت‌ها نداشته‌اند و جزو صاحبان کار بحساب می‌آمده‌اند. هیئت نظارت در آلمان موظف به نظارت مستمر بر هیئت مدیره است. این نظارت مستمر عموماً در جلسات منظم هیئت نظارت که باید در مورد شرکت‌های بورسی حداقل هر شش ماه یکبار برگزار گردد، انجام می‌شود. در صورت لزوم، هیئت نظارت باید جلسات بیشتری داشته باشد. در حقوق

ایران، قانون الزام آور بخصوصی پیرامون «نظارت در شرکت‌ها» وضع نشده است و بررسی مقررات متنوع و مختلف مرتبط با شرکت‌های سهامی عام، نظیر «لایحه قانونی ۱۳۴۷» و آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به «نظام اداره شرکت‌ها»، رویکرد ضعیف حقوق ایران را نسبت به اکثر این شاخصه‌ها نشان می‌دهد.^۱ از این رو لازم است که با رویکرد بومی گرای، بر مبنای این شاخصه‌ها، به ویژه در زمینه تفکیک مالکیت از کنترل، کاهش هزینه‌های نمایندگی و حمایت جدی از حقوق سهامداران اقلیت قانونگذاری‌های لازم صورت پذیرد. این جستار نیز با توجه موارد مطروحه در فوق زمینه‌ها، چگونگی و چالش‌های موجود در راستای نظارت بر شرکت‌ها و حقوق سهامداران را در حقوق ایران و آلمان مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱- مفهوم شناسی

شرکت سهامی آدر شمار شرکت‌های دارایی است که در آن دارایی شرکت در قالب سهام درآمده است.^۲ شرکت‌های سهامی از حیث اقتصادی بیش از سایر شرکت‌ها در عرصه نظام حقوقی و اقتصادی بروز و ظهور داشته‌اند. با توجه به اینکه غالب اشخاص جامعه می‌توانند به انحاء متنوع و مختلف در زمره اعضاء این شرکت‌ها قرار گیرند، از اقبال زیادی نزد اکثریت مردم برخوردار است.^۳ عموماً سهامداران جهت اداره شرکت از اختیارات کامل برخوردار می‌باشند لیکن هیئت مدیره‌ای را جهت نظارت هر چه بیشتر بر امور شرکت برمی‌گزینند.^۴ ناظر فردی است که نظارت بر امور شرکت را برعهده دارند که در نهایت حاصل نظارت آن‌ها به نفع اشخاصی است که به نوعی با شرکت در ارتباط می‌باشند یعنی مدیران، سهامداران،^۵ کارمندان، سرمایه‌گذاران،^۶ فروشندگان و مشتریان شرکت.^۷

^۱ تقی پور، بهرام، عابدینی، حسین (۱۳۹۸) رویکرد نظام حقوقی ایران به شاخصه‌های کلیدی نظام اداره شرکت‌های سهامی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، شماره ۳، ۸۶

^۲ Joint Stock Company

^۳ بهشتی، شقایق، اسکینی، ربیعا، پاسبان، محمدرضا، زارع، علی (۱۳۹۸) وضعیت حقوقی سهام قابل بازخريد و بازخريد سهام عادی در نظام حقوقی ایران و انگلستان، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱، ص ۶۵

^۴ پاسبان، محمدرضا، فرخی، سیدهادی، بیگی، احمد (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی حقوق سهامدار اقلیت در تجزیه شرکت‌های سهامی (ایران و انگلستان)، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۷۶

^۵ اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹) حقوق شرکت‌های تجاری (جلد دوم) شرکت‌های سهامی عام و خاص. انتشارات سمت. تهران. ص ۱۲۱

^۶ Inspector

^۷ Supervision

^۸ Shareholders

^۹ Investors

^{۱۰} پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۴)، حقوق شرکت‌های تجاری تهران: انتشارات سمت، ص ۱۲۱

۱-۱. هیئت نظارت

هیئت نظارت - و نه سهامداران - مسئول تعیین هیئت مدیره، یعنی تعیین تک تک اعضای هیئت مدیره در آلمان است. هیئت نظارت مسئول اطمینان از این است که فقط افراد واجد شرایط حرفه‌ای و شخصی به عنوان اعضای هیئت مدیره به عنوان بخشی از فرآیند انتخاب مناسب منصوب می‌شوند. هیئت نظارت بر حسب صلاحیت انتصابی خود، صلاحیت عزل اعضای هیئت مدیره را نیز (تنها) دارد. مطابق لایحه اصلاحی قانون تجارت، ناظر از میان اشخاص حقیقی انتخاب می‌شود. اگر چه لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۸۴ مطابق ماده ۶۱۹ و مواد بعدی آن، امکان انتخاب ناظر از میان اشخاص حقوقی را نیز پیش‌بینی کرده است. شرکت‌های سهامی عام و شرکت‌های تابع و وابسته به آنها مکلف به به کارگیری حسابرس و ناظر قانونی از میان مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی هستند^۱ 'موجه بنظر نمی‌رسد. در نتیجه، اگرچه انجام نظارت قانونی شرکت‌های دولتی و عمومی توسط اشخاص حقوقی (مؤسسات حسابرسی) مجاز شمرده شده ولی شرکت‌های خصوصی فقط می‌توانند اشخاص حقیقی را به عنوان ناظر انتخاب کنند. البته، شرکت‌های تعاونی مجاز به انتخاب ناظران از میان اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌باشند.^۲

۲-۱. سهامدار

سهامدار مالک یک سهم در یک شرکت سهامی است (بخش ۵۴ (۱) AktG^۳) سهامداران در زمان تأسیس شرکت یا افزایش سرمایه بعدی، سهام شرکت را تأمین کردند، یا سهام را از طریق انتقال از مالکان قبلی به دست آوردند. آنها عموماً از حقوق خود با حضور در مجمع عمومی، از طریق حق برخورداری از اطلاعات و سود سهام و در صورت لزوم، از درآمدهای تصفیه استفاده می‌کنند.

۳-۱. بافین^۴

مرجع نظارت مالی فدرال، به عنوان مرجع نظارت بر بازار مالی، تمام حوزه‌های مالی در آلمان را کنترل می‌کند. وظیفه اصلی آن کنترل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و معاملات اوراق بهادار است. به وزارت دارایی گزارش می‌دهد. ثبات و امنیت، انعطاف‌پذیری عملیاتی، شرکت‌های مشکل‌دار، پیشگیری از پولشویی، حمایت از سهامداران، نظارت بر بازار، پایداری، نوآوری، نوسازی و فرهنگ نظارتی جسورانه و توسعه

^۱ شریفی، الهام الدین (۱۳۹۳) نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران « مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵، ص ۲۶۸

^۲ مطابق ماده ۴۰ قانون بخش تعاونی - مجمع عمومی، بازرسی یا بازرسانی را اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی انتخاب می‌کند.

^۳ قانون شرکت سهامی آلمان

^۴ BaFin

منابع انسانی از اهداف میان مدت ده‌گانه نهاد ناظر آلمان در ایجاد بازاری باثبات و حمایت از سرمایه‌گذاران است. از ابتدای سال ۲۰۲۲ بافین، به عنوان تنها نهاد نظارتی، مسئول بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی عام است. پیشتر، فرآیند رسیدگی به گزارشگری‌های مالی شرکت‌ها در دو مرحله انجام می‌شد که پس از اجرای قانون «تقویت یکپارچگی و انصاف در بازار مالی»^۱، این فرآیند به یک فرآیند «تک مرحله‌ای» از ابتدای ژانویه ۲۰۲۲ ارتقا یافته است.^۲

۲- موضوع شناسی نظارت در شرکت‌های سهامی

در حقوق ایران، قانون الزام آور بخصوصی پیرامون «نظارت در شرکت‌ها» وضع نشده است و بررسی مقررات متنوع و مختلف مرتبط با شرکت‌های سهامی عام، نظیر «لایحه قانونی ۱۳۴۷» و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به «نظام اداره شرکت‌ها»، رویکرد ضعیف حقوق ایران را نسبت به اکثر این شاخصه‌ها نشان می‌دهد.^۳

با قانون معرفی شرکت اروپایی (SEEG) مقررات اتحادیه اروپا در مورد اساسنامه شرکت اروپایی (SE) و دستورالعمل مکمل در مورد مشارکت سهامداران، به قانون ملی آلمان وارد شد. SE طبق قانون اتحادیه اروپا، یک شکل حقوقی جدیدی از شرکت‌ها است و در کنار اشکال حقوقی شرکت‌های سهامی و شرکت با مسئولیت محدود، تحت قوانین آلمان، مجاز شناخته شده است. معرفی شرکت SE به منظور ساده سازی ایجاد ادغام‌های فرامرزی در داخل جامعه اروپا است. تشکیل یک شرکت SE می‌تواند چهار نوع اصلی داشته باشد: تبدیل، ادغام و ایجاد یک شرکت هلدینگ یا تابعه.^۴

از این رو لازم است که با رویکرد بومی‌گرایی، بر مبنای این شاخصه‌ها، به ویژه در زمینه تفکیک مالکیت از کنترل، کاهش هزینه‌های نمایندگی و حمایت جدی از حقوق سهامداران اقلیت قانونگذاری‌های لازم صورت پذیرد.^۵ هرچند که طبق نظریات کلاسیک چون کارگران علی‌الاصول سهمی در مالکیت شرکت‌ها نداشته‌اند و جزو صاحبان کار بحساب می‌آمده‌اند.^۶ فلذا شرکت‌های سهامی

¹ FISG

² Kaufhold, Ann-Katrin; Langenbucher, Katja; Blank, Patrick BaFin (in) dependence - a reform proposal PDF Logo.2022. Series/Report no.: SAFE White Paper No. 8.p35

^۳ یحیی پور، جمشید (۱۳۹۴) مطالعه تطبیقی مدل‌های حاکمیت شرکتی و ارائه مدل مناسب برای حاکمیت شرکتی حقوق شرکت‌های سهامی ایران

⁴ Rosenbohm, Sophie; Verhandelte Mitbestimmung- Die Arbeitnehmerbeteiligung in der Europäischen Aktiengesellschaft, Verlag: Campus Verlag, 2014. p87

^۵ تقی پور، بهرام، عابدینی، حسین (۱۳۹۸) رویکرد نظام حقوقی ایران به شاخصه‌های کلیدی نظام اداره شرکت‌های سهامی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، شماره ۳، ص ۸۶

^۶ طهماسبی، علی (۱۳۹۴) چالش نمایندگی سهامداران خواهان دعوای مشتق در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلیس، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱، ش ۳، ص ۴۳

ایران منطبق بر نظریه کلاسیک عمل می‌کنند. در حالیکه شرکت‌های سهامی آلمان، منطبق بر نظریه نوین عمل نموده‌اند.^۱

علی‌رغم این که اصطلاح نظارت بر شرکت در دو دهه اخیر بارها و بارها مورد بحث متخصصان مالی و امور شرکت‌ها و اقتصاددانان جهان قرار گرفته، در ایران هنوز به گونه‌ای ارزشمند و به قاعده بررسی نشده است. دلیل آن تا حدی نیز روشن است، گستره فعالیت‌های شرکت‌های سهامی عام در قیاس با حجم عمومی فعالیت‌ها در اقتصاد ضعیف است و بازارهای مالی هنوز عمق و گستره کافی نیافته‌اند. در ایران نیز هرچند از اوایل دهه ۱۳۴۰ بورس اوراق بهادار تأسیس شد و در قانون تجارت و به ویژه در لایحه اصلاحی اسفندماه ۱۳۴۷ مواردی مرتبط با نحوه تأسیس و اداره شرکت‌ها تا حدودی مطرح شده بود، ولی موضوع نظارت بر شرکت با مفهوم کنونی آن، در چند سال اخیر مطرح شده است.^۲

با عنایت به ویژگی‌های سیستم‌های نظارت بر شرکت به نظر می‌رسد نظارت بر شرکت در ایران بیش‌تر به سیستم درون سازمانی نزدیک‌تر است. با توجه به وجود بازار سرمایه و تلاش‌های انجام‌شده در مورد گسترش آن، سیستم نظارت بر شرکت درون سازمانی در ایران مطرح است و موضوعیت دارد. در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه کشور، به خصوصی‌سازی عنایت ویژه‌ای شده است؛ لذا به نظر می‌رسد در صورت دستیابی به هدف‌های خصوصی‌سازی در این برنامه‌ها و افزایش سهام‌داران و ذی‌نفعان شرکت‌ها، سیستم نظارت بر شرکت در کشور ما با توجه به تجربه سایر کشورها که به خصوصی‌سازی دست زده‌اند، به سمت سیستم برون‌سازمانی تغییر جهت دهد.

۳- الزامات نظارت در شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آلمان

از لحاظ تئوری در آلمان، هر کسی می‌تواند AG خود را تشکیل دهد زیرا فقط دو تعهد اصلی برای تأیید وجود دارد. نخست، AG باید حداقل سرمایه سهم ۵۰ هزار یورو داشته باشد (که باید توسط خود مؤسس سرمایه‌گذاری شود) و دوم، اساسنامه باید توسط دفتر اسناد رسمی تأیید شود. توصیه می‌شود مشاور حقوقی در تهیه اساسنامه کمک کند.

اصلاحیه دوم قانون شرکت سهامی آلمان ("قانون شرکت‌های محدود برای سهام و شرکت‌های سهامی") قانون تجارت عمومی آلمان، که در ۱۸ ژوئیه ۱۸۸۴ لازم‌الاجرا شد، به طور کلی به عنوان سال تولد آلمان مدرن تلقی می‌شود. شرکت سهامی به هیئت نظارت وظایف حسابرسی جامع داده شده است، به عنوان مثال. ب- هنگام ایجاد شرکت تضامنی با مسئولیت محدود یا شرکت سهامی می‌توانند

^۱ Merkblatt; Insolvenzgeld für Arbeitnehmerinnen und Arbeitnehmer, Dienste und Leistungen der Agentur für Arbeit, Herausgeber Bundesagentur für Arbeit, Nürnberg Januar 2016.

^۲ تقوی، رضا (۱۳۹۵) راهکارهای حمایت از حقوق سهامداران جزء، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، ص ۱۲۱

ترازنامه را توسط حسابرسان ویژه (حسابرسان خارجی) بررسی کنند. تحت شرایط خاصی (به ماده ۲۰۹h از اصلاحیه دوم قانون شرکت سهامی)، شرکت‌ها باید حساب‌های سالانه خود را توسط حسابرسان ویژه بررسی می‌کردند.

سهام سهامداران، سهام واحدی تولیدی یا کارخانه‌ای است که سهامداران و کارمندان آن واحد می‌توانند با بهای پایین تر آن را خریداری کنند. اگر این واحد تولیدی دولتی باشد نخست در چهارچوب خصوصی سازی می‌باید به شرکت سهامی تبدیل شود. هیئت نظارت در آلمان عموماً توسط سهامداران به عنوان بخشی از تصمیمی که توسط مجمع سهامداران تصویب می‌شود منصوب می‌شود. در صورتی که شرکت سهامی مشمول مقررات قانون تشکیل باشد، کارکنان نیز ترکیب هیأت نظارت را تعیین می‌کنند. سهامدار مالک یک سهم در یک شرکت سهامی است (بخش ۵۴ (۱) AktG^۱) سهامداران در زمان تأسیس شرکت یا افزایش سرمایه بعدی، سهام شرکت را تأمین کردند، یا سهام را از رهگذر انتقال از مالکان قبلی به دست آوردند. آنها عموماً از حقوق خود با حضور در مجمع عمومی، از رهگذر حق برخورداری از اطلاعات و سود سهام و در صورت لزوم، از درآمدهای تصفیه استفاده می‌کنند.

ماده واحده قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مصوب ۱۳۵۴.۴.۳ به این شرح است: «واحدهای صنعتی و معدنی و سایر واحدهای تولیدی که تا تاریخ چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ تأسیس شده اند و بر طبق مقررات این قانون به صورت شرکت سهامی عام در خواهند آمد مکلفند سهام خود را پس از حسابرسی توسط موسسات حسابرسی قابل قبول دولت و ارزیابی دقیق براساس ضوابطی که شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مذکور در تبصره ۶ این قانون تعیین می‌نماید در درجه اول به سهامداران و کارمندان خود و سپس سهامداران و کارمندان سایر واحدهای تولیدی و کشاورزان و سایر مردم برای فروش عرضه نمایند به طوری که در پایان مهر ماه ۱۳۵۷ معادل ۹۹٪ سهام متعلق به دولت در واحدهای بخش دولتی به استثنای صنایع مادر و بعضی از صنایع دیگر که طبق تشخیص دولت تمام یا قسمتی از آن در دست دولت باقی خواهد ماند و ۴۹ درصد سهام واحدهای بخش خصوصی بتواند در دست مردم کشور قرار گیرد.»

اگرچه قانون نحوه واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایارگران و سهامداران باعث امتیازاتی برای ایارگران و سهامداران شد اما با توجه به اینکه اکثر آنان از تمکن مالی لازم برای خرید سهام قابل واگذاری برخوردار نبودند در عمل اجرای سیاست خصوصی سازی به رکود کشیده شد.^۲

^۱ قانون شرکت سهامی آلمان

^۲ تقوی، رضا (۱۳۹۵) راهکارهای حمایت از حقوق سهامداران جزء، پنجمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز W 54.

۴- امکان سنجی نظارت در شرکت‌های سهامی با تاکید بر حقوق سهامداران

جایگاه نظارت در شرکت‌های سهامی با تاکید بر حقوق سهامداران در حقوق ایران و آلمان را زمینه‌های حقوقی دو کشور با توجه به ساختار شرکت‌ها و قوانین موجود و متأثر از فضای زیست‌مانی حقوقی دو کشور باید جستجو نمود. جایگاه نظارت در شرکت‌ها با تاکید بر حقوق سهامداران در حقوق ایران به این صورت می‌باشد که در این گونه شرکت‌ها، سهامداران نمی‌توانند از سهامداران باشند (مطابق با نظریه کلاسیک) در صورتی که جایگاه نظارت در شرکت‌ها با تاکید بر حقوق سهامداران در حقوق آلمان به این صورت می‌باشد که هیئت نظارت در آلمان عموماً توسط سهامداران و در حتی در مواردی کارکنان (سهامداران) نیز ترکیب هیأت نظارت را تعیین می‌کنند.

لازم به ذکر است که در اقدامی متهورانه در ماده ۴۳۹ لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۸۴ مقرر شده است که شرکت‌های سهامی... صرف‌نظر از موضوع فعالیت آنها، تجاری محسوب می‌شوند. این ماده در واقع، دانسته یا ندانسته، در صدد رفع دیوار میان تاجر و غیر تاجر است و می‌خواهد استثنای مندرج در ماده ۲ لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ را به اصل تبدیل کرده و به طور عمده اجازه ایجاد فردیت‌های حقوقی‌ای را بدهد که تجارت نمی‌کنند ولی تاجر محسوب می‌شوند و در مزایا و معایب تاجر بودن سهیم هستند. چنین تصمیمی نباید به آسانی گرفته شود.

۴-۱. نظارت نامحسوس

بند «د» ماده ۲۲۳ قانون ۲۰۰۹ نظارت نامحسوس را در تخلف از مقررات مواد ۲۱۵ تا ۲۲۲ به عنوان مدیر شرکت تلقی کرده است؛ بدین توضیح که پرداخت ضرر شغلی به مدیر شرکت باید به تصویب اعضای شرکت برسد و تخلف از مقررات مذکور (پرداخت ضرر شغلی توسط مدیران بدون تصویب اعضای شرکت) با ضمانت اجرای مدنی (ماده ۲۲۲ قانون شرکت‌های تجاری ۲۰۰۹) مواجه خواهد شد. در همین راستا قانونگذار تخلف نظارت نامحسوس از مقررات مواد ۲۱۵ تا ۲۲۱ قانون مذکور را با ماده ۲۲۲ تضمین کرده است. قانونگذار در ماده ۲۲۳ نظارت نامحسوس را به عنوان مدیر قانونی شرکت شناسایی و ضمانت اجرای ماده ۲۲۲ را بر نظارت نامحسوس همانند سایر مدیران متخلف تحمیل کرده است.

نظارت نامحسوس در حقوق آلمان در انجام وظایف قانونی و مسؤولیت‌های ناشی از عدم انجام وظایف و یا تخلف از آنان همانند مدیر قانونی است و شایان توجه است که او از مزایای پرداخت برای ضرر شغلی پرداخت‌هایی هستند که به مدیر شرکت یا مدیر سابق آن جهت جبران ضرر شغلی آنان به عنوان مدیر، یا برای هر ضرر شغلی دیگری در ارتباط با شرکت و یا شرکت فرعی صورت می‌گیرد. در عمل وجود نظارت نامحسوس در حوزه شرکت‌ها انکارناپذیر است. از سوی دیگر در ارتباط با نهاد حقوقی نظارت نامحسوس که در حقوق آلمان مورد پذیرش واقع شده است، در حقوق ایران خلأ قانونی وجود دارد. قانون تجارت ایران و لایحه قانونی ۱۳۴۷ نهاد نظارت نامحسوس را پیش‌بینی نکرده است. ثانیاً

منظور قانونگذار از مدیران در مواد مذکور، مدیرانی است که با رعایت مقررات قانونی تعیین شده اند. به بیان دیگر، نهاد نظارت نامحسوس در حقوق ایران شناخته شده نیست.

۴-۲. ساخت پلکانی و نظارت تدریجی بر سهامداران

در آلمان بحث مشارکت سهامداران در شرکت روندی بوده که با قدرت گرفتن تدریجی سهامداران صورت گرفته پس در مقام الگوبرداری مناسب باید این نکته را در نظر داشته باشیم یعنی برای رسیدن به هدف باید به صورت تدریجی با قدرت گرفتن سهامداران قوانینی نیز تدوین شود. از این رو سهامداران می‌بایست مذاکرات تدریجی و سه جانبه‌ای را با دولت و کارفرمایان انجام دهند تا به حق خود دست یابند. بدیهی است بدون تعامل ما بین این سه گروه هر قانونی تصویب شود عملاً نتیجه‌ای را در پی نخواهد داشت. همچنین وجود ثبات در مدیریت و امنیت شغلی سهامداران حائز اهمیت است برای اینکه کارگری که از امنیت شغلی کافی برخوردار نباشد به طریق اولی نخواهد توانست در مدیریت شرکت هم نقشی داشته باشد همچنین با وجود اتحادیه‌های کارگری ضعیف و وجود شرایط اقتصادی نامساعد نمی‌توان به هدف دست یافت.^۱ قید حضور سهامداران در هیات مدیره یا هیات بازرسان در قانون مشارکت سهامداران باید دارای شرایطی شایستگی باشد بدیهی است بدون شرایط شایستگی این امر نه تنها باعث کارایی شرکت نخواهد شد بلکه باعث اتخاذ تصمیمات نادرست می‌شود. البته سهامدارانی که دارای سطح بالایی از تجربه هستند حضورشان در مدیریت شرکت بسیار مثر خواهد بود.

در شرکت‌های سهامی عام علاوه بر بازرسان، حسابداران رسمی نیز در مورد حساب‌های سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش می‌دهند. گزارش حسابدار رسمی از اسبابی است که صحت عملکرد مدیران و حتی بازرسان را در رابطه با مسائل مالی شرکت نشان می‌دهد. چنین گزارشی باید شفافیت حساب‌های سود و زیان و ترازنامه را نیز نسبت به وضع مالی شرکت گواهی نماید. حسابداران رسمی می‌توانند وظایف قانونی بازرسان شرکت را نیز در شرکت‌های سهامی و سایر شرکت‌ها به عهده بگیرند. این حسابداران در جامعه حسابداران رسمی ایران متشکل می‌گردند. حسابدار رسمی بودن بازرسان، شرکت را از گزارش حسابدار رسمی (حسابرس) بی‌نیاز نمی‌کند. در سایر کشورها از جمله آلمان نیز تأسیس حسابرس پیش‌بینی شده است. همچنین، قانون‌گذار جامعه اروپا ضمن ضروری دانستن تهیه حساب‌های سود و زیان سالیانه و ترازنامه برای همه شرکت‌ها اعم از عام، خاص، کوچک و بزرگ، حداقل شرایط علمی و تجربی لازم برای اشتغال به حسابرسی را معین کرده که در قوانین آلمان هم درج شده است. البته فقط کشورهای اروپایی تأیید شده بودن حساب‌ها توسط حسابرس را الزامی کرده‌اند. بعضی کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا، حتی تهیه مدارک حساب سالانه حسابرسی شده را الزامی نکرده‌اند و بعضی دیگر

^۱ طجرلو و حسین زاده، ۱۳۹۵: ۷۶

نظیر کانادا، فقط شرکت‌های عام با گردش مالی بیش از حد معینی را موظف به تهیه حساب‌های حسابرسی شده کرده‌اند. در هر حال حسابداران رسمی حساب‌های شرکت را حسابرسی کرده و گزارش می‌دهند و اگرچه در مقابل شرکت مسؤولند ولی در مقابل تک‌تک سهامداران مسؤولیتی ندارند برای مثال اگر یکی از سهامداران بر مبنای آنچه که حسابرס در قسمتی از گزارش خود ذکر کرده تعداد سهام بیشتری از شرکت خریداری کرده و ضرر کند، و معلوم شود آن قسمت از گزارش حسابرס نادرست بوده، حسابرס در مقابل او مسؤول نخواهد بود.

در حقوق کشور آلمان، تاسیس نظارت شرکت‌ها پیش‌بینی نشده در عوض وزارت تجارت و صنعت موظف است تحقیقات لازم را در صحت امور شرکت‌ها به عمل آورد. آن وزارت برای نظارت بر امور شرکت‌ها ممکن است دفاتر آنها را مطالبه و بررسی نماید، با اخذ مجوز از دادگاه وارد شرکت شده و مستقیماً یا با نصب ناظر به تحقیق بپردازد.^۱ انتصاب ناظر برای یک شرکت معین ممکن است به دستور دادگاه، به درخواست خود شرکت یا عده معینی از شرکاء و موافقت وزارت یا با تصمیم مستقل وزارت بدلیل اطلاع از وجود عملکرد متقلبانه یا مضر غیر منصفانه در آن شرکت باشد. وزارت مزبور فقط در امور شرکت تحقیق می‌کند و هر گونه تصمیم و اقدام متناسب با نتیجه تحقیقات با دادگاه خواهد بود. نظارت که به این ترتیب معین می‌شود می‌تواند علاوه بر تحقیق در امور شرکت مفرد شده، راجع به شرکتی نیز که کنترل این شرکت را در اختیار دارد و سایر شرکت‌هایی که همان شرکت کنترل می‌کند همچنین هر شرکتی که کنترل آن در دست این شرکت است و شرکت‌های دیگری که در آن سهم دارند تحقیق نماید. از ناظر در موارد دیگری هم استفاده می‌شود، برای مثال، در کشور هند، برای نظارت بر نحوه تصفیه امور شرکتی که دادگاه حکم انحلال آن را صادر کرده، یک کمیته نظارت توسط طلبه کاران در نظر گرفته می‌شود.^۱

۳-۴. الزامات حق نظارت در شرکت‌های سهامی

قانون شرکت سهامی آلمان به هیئت مدیره حوزه کارآفرینی اختیارات بسیار وسیعی اعطا می‌کند که در آن هیئت مدیره می‌تواند به تنهایی تصمیم بگیرد و عمل کند، عمدتاً بدون دستورالعمل. به منظور حفاظت از منافع مالی سهامداران متأثر از اقدامات هیئت مدیره، قانون شرکت سهامی آلمان (AktG) انتصاب اجباری هیئت نظارت را پیش‌بینی می‌کند. همانطور که از این مهم برداشت می‌شود، هیئت نظارت در درجه اول وظیفه نظارت بر هیئت مدیره را بر عهده دارد. نظارت باید به عنوان توصیه‌های

^۱ Sendel-Müller, Markus; Weckes, Marion: Gewinn- und Erfolgsbeteiligung, Betriebs- und Dienstvereinbarungen Analyse und Handlungsempfehlungen, Eine Schriftenreihe der Hans-Böckler-Stiftung, Bund-Verlag GmbH, Frankfurt am Main, 2013. p87

پیشگیرانه و کنترل کننده به هیئت مدیره، به عنوان نظارت مستمر و به عنوان اجرای مسئولیت در برابر هیئت مدیره مستفاد شود.

سرمایه گذاران نهادی (خصوصی) برای شرکت‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. از آنها انتظار می‌رود که حقوق مالکیت خود را به طور فعال و مسئولانه بر اساس اصول شفافیت که پایداری را در نظر می‌گیرد، اعمال کنند.¹ (مقدمه قانون حاکمیت شرکتی آلمان (DCGK)). گنجاندن جدید این رویکرد مستقیم برای سرمایه گذاران نهادی در نسخه فعلی DCGK در سال ۲۰۱۷، موضوعیت بحث در مورد نقش سرمایه گذاران نهادی و اهمیت آنها برای حاکمیت شرکتی آلمان را نشان می‌دهد.

مهمترین ابزار نظارت مستمر، گزارش‌های هیئت مدیره است که توسط قانون پیش‌بینی شده است - در اینجا عمدتاً مربوط به سیاست تجاری مورد نظر، سودآوری، روند تجارت، معاملات مهم است - و حق هیئت نظارت برای دریافت گزارش از هیئت مدیره در کلیه (سایر) امور شرکت. گزارش‌های اخیر، به اصطلاح گزارش‌های درخواست، ممکن است توسط هر یک از اعضای هیئت نظارت برای توجه هیئت نظارت به عنوان یک کل درخواست شود. در این زمینه قابل توجه است که هیئت مدیره نمی‌تواند از ارائه گزارش با اشاره به اسرار تجاری یا تجاری خودداری کند. اسناد فوق‌الذکر با حق هیئت نظارت برای نظارت کلیه اسناد تجاری شرکت و بررسی آنها یا بررسی آنها توسط کارشناسان در آلمان تکمیل می‌شود.¹

فرهنگ کسب و کار آلمانی دارای یک سلسله مراتب به خوبی تعریف شده و به شدت نظارت شده، با مسئولیت‌های روشن و تمایز بین نقش‌ها و گروه‌ها می‌باشد. آلمان دارای قوانین گسترده‌ای برای ثبت و مدیریت شرکت‌ها است. با این حال، هر نوع خاصی از شرکت‌ها دارای قوانین خاصی است. شرکت سهامی در آلمان دارای قوانین خاصی است که بر اموری مانند مدیریت، قدرت هیئت‌های نظارت شرکت‌های آلمان، حقوق و مقررات سهامداران، الزامات میزان سرمایه حاکم است.

پروسه ثبت شرکت‌ها بصورت خودکار، یک سیستم به هم پیوسته می‌باشد، به این معنی که اداره بازرگانی، سایر ادارات را که باید شرکت در آنها ثبت گردد از جمله اداره مالیات، صندوق بیمه حوادث، دادگاه محلی، اداره نظارت بر تجارت و اداره اتاق بازرگانی مطلع می‌نماید. در داخل خود شرکت نیز یک هیأت نظارت توسط سرمایه‌گذاران اصلی منصوب می‌گردد. این هیئت نظارتی با حداقل سه عضو تشکیل می‌گردد. همچنین شرکت تجاری بصورت رسمی و قانونی توسط برد مدیریتی خود اداره می‌شود و باید حداقل دارای یک مدیر عامل رسمی باشد که میتواند سهامدار هم نباشد. با صدور دستورالعمل رسمی به مدیران اجرایی، سهامداران قادرند به صورت مستقیم بر کار مدیریت نظارت داشته باشند. همچنین

¹ Thomas Heidel (Hrsg.): Aktienrecht und Kapitalmarktrecht. Kommentar, 3. Auflage. Nomos. Baden-Baden 2011, ISBN 978-3-8329-5606-6. p.65

شرکت‌های سهامی دارای یک هیئت مدیره می‌باشند که جهت تصمیم‌گیری در مورد کلیه امور مربوط به عملکرد شرکت دارای اختیار است و باید به هیئت نظارت پاسخگو باشد. در حالت کلی در شرکت‌های سهامی، سهام داران بنیانگذار وظیفه تعیین اولین حسابرس^۱ و هیئت نظارتی^۲ را برعهده دارند. که به نوبه خود برای تعیین اولین هیئت مدیره^۳ همکاری می‌کنند. انتصاب حسابرسان و سرپرستان نیز باید محرمانه باشد. گروه بنیان‌گذاران همچنین باید یک گزارش تشکیل با کلیه جزئیات شرکت سهامی آلمانی را تهیه کنند، این گزارش باید توسط هیئت مدیره بررسی و مورد توافق واقع شود. شرکت سهامی آلمانی توسط هیئت مدیره اداره می‌شود. هیئت نظارت و سهام داران نمی‌توانند و نباید تأثیر مستقیمی بر مدیریت داشته باشند.^۴

مبنا و چارچوب نظری حقوق آلمان دخالت سهامداران در امر نظارت شرکت در اداره امور آن است؛ به نحوی که نمایندگان کارکنان در هر مرحله در کنار نمایندگان سهامداران در هیأت نظارت حضور دارند. از اینرو در کشور آلمان برای مشارکت و تصمیم‌گیری سهامداران قوانین روشن وضع شده است. این قوانین تأثیر بسزایی در حمایت از حقوق سهامداران در شرکت‌های سهامی دارند. هیئت نظارت در آلمان عموماً توسط سهامداران به عنوان بخشی از تصمیمی که توسط مجمع سهامداران تصویب می‌شود منصوب می‌شود.

در نظام حقوقی آلمان مبنای ایجاد حق نظارت و دخالت سهام داران، پیشگیری از کاهش حقوق متنوع و مختلف سهام داران عنوان گردیده است. درواقع اگر شرکت از رهگذر صادر کردن سهام جدید اقدام به افزایش دارایی کند و حق نظارت و دخالت سهام داران موجود خود در خرید سهام جدید ناشی از افزایش دارایی را مورد تبیین و تعریف قرار ندهد، حقوق متنوع و مختلف سهام داران در شرکت کاهش می‌یابد. ازجمله مهم‌ترین این حقوق، حق رأی سهام داران، حق دریافت سود سهام داران و حق دریافت باقیمانده ی اموال شرکت به موعده انحلال آن است. به این شرایط که درصد مالکیت سهام سهام داران با صدور سهام نو در شرکت و به تاسی از آن حقوق مذکور کاهش می‌یابند. چراکه سهام داران، به تناسب درصد مالکیت سهام از حقوق متنوع و مختلف برخوردار می‌گردند و حق نظارت و دخالت سهام داران ابزاری است در راستای پیشگیری از کاهش درصدی حقوق سهام داران. بنابراین، حقوق دانان چرایی ایجاد حق نظارت و دخالت را پاسداشت حقوق سهام داران عنوان کرده‌اند.^۵

^۱ Abschlußprüfer

^۲ Aufsichtsrat

^۳ Vorstand

^۴ Uwe Hüffer: Aktiengesetz. Kommentar. Verlag C. H. Beck, 9. Auflage. München 2010, ISBN 978-3-406-60077-7.p123

^۵ پور سید، سید بهزاد (۱۳۹۵) راهکارهای بهبود نظام نظارت بر شرکت ایران، با تأکید بر شاخص حمایت از سهامداران خرد بانک جهانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۸۱، ص ۴۵

۵- نظارت بر شرکت‌های سهامی و سازوکار جدید اجرایی گزارشگری مالی BaFin

از ابتدای سال ۲۰۲۲، تنها نهاد ناظر آلمان (BaFin) صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی عام را در این کشور بررسی کرد. بررسی‌های تصادفی و موردی در حیطه اختیارات این نهاد قرار گرفت. در صورت کشف موارد مشکوک در حسابداری شرکت‌ها، بافین این اختیار را داشت که مستقیماً مداخله کند. اگر مورد مشکوک جدی باشد، این نهاد می‌تواند با استفاده از تکنیک‌های لازم (دادگاهی، قانونی)، موضوع را با دقت بررسی کند.

اجرای گزارشگری مالی در آلمان تغییر ساختار یافته است. به این ترتیب که از ابتدای سال ۲۰۲۲ بافین، به عنوان تنها نهاد نظارتی، مسئول بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی عام است. پیشتر، فرآیند رسیدگی به گزارشگری‌های مالی شرکت‌ها در دو مرحله انجام می‌شد که پس از اجرای قانون «تقویت یکپارچگی و انصاف در بازار مالی» (FISG)، این فرآیند به یک فرآیند «تک مرحله‌ای» از ابتدای ژانویه ۲۰۲۲ ارتقا یافته است. به طور کلی، هدف از اجرای فرآیند جدید، شناسایی اشتباهات حسابداری و متعاقب آن، تقلب در حسابداری تا حد امکان در مراحل اولیه و همچنین شناسایی موضوعات مرتبط با حوزه‌های جزایی و دفتر دادستان عمومی بوده است. مکانیسم جدید گزارشگری مالی را به عنوان ابزاری مهم در راستای شفاف‌سازی و جلوگیری از آسیب‌پذیری در حسابداری است و اجرای گزارشگری مالی به خودی خود یک هدف نیست بلکه موجب ارتقای یکپارچگی و ثبات بازارهای مالی می‌شود و متعاقب آن سرمایه‌گذاران از سود این عمل منتفع خواهند شد.

بافین پس از انجام بررسی و شناسایی تخلفات در صورت‌های مالی شرکت‌ها با استفاده از هر دو روش بررسی «نمونه‌گیری تصادفی» و «موردی»، اطلاعات مربوطه را منتشر خواهد کرد. افزون بر آن، به‌زودی به بافین اختیار مازاد برای تبادل اطلاعات، مانند «سازمان نظارت بر حساب‌برسان»، تفویض خواهد شد. این موضوع با اختیارات حاکمیتی مازاد در درون بافین، مانند بسط دامنه حق دریافت اطلاعات و حق بازرسی و توقیف، همراه شده است. از سوی دیگر، بافین امکان احضار و مورد پرسش قرار دادن مدیران و حساب‌برسان متخلف شرکت‌ها را خواهد داشت. نهاد نظارتی بافین درک جامعی از نحوه استفاده از فناوری‌های جدید در بازار، خطرات و تاثیر آنها بر مدل‌های کسب و کار قدیم و جدید دارد و برای نظارت عملیاتی خود بدون استفاده از فناوری یا مدل خاص کسب و کار، راهکارهای عملیاتی لازم را ارائه می‌دهد. معتقد است که سهامداران نیز باید از نوآوری‌ها بهره‌مند شده بدون اینکه در معرض خطرات ناشی از فناوری قرار بگیرند. بافین برای نظارت کاراتر از هوش مصنوعی نیز بهره می‌برد و از طریق آن توانسته به خوبی بر امور مالی و چالش‌های آن تمرکز ویژه را داشته باشد.^۱

^۱ Kaufhold, Ann-Katrin; Langenbucher, Katja; Blank, Patrick BaFin (in) dependence - a reform proposal PDF Logo.2022. Series/Report no.: SAFE White Paper No. 8.pp32-35

بافین به منظور اجرای قانون جدید در بازار سرمایه، ساختارها و فرآیندهای داخلی خود را مطابق با مسئولیت‌ها و اختیارات تفویضی جدید تغییر داده و اداره جدیدی تحت عنوان «مدیریت نظارت بر صورت‌های مالی»^۱ به منظور اجرای فرایند جدید گزارشگری مالی، ایجاد کرده است. در واقع، فعالیت این اداره از سپتامبر ۲۰۲۱ شروع شده اما مسئولیت کامل نظارت بر صورت‌های مالی را از ابتدای ژانویه ۲۰۲۲ به عهده گرفته است.

گزارشگری‌های مالی بر اساس استانداردهای «فرمت الکترونیکی واحد اروپایی» که به آن ESEF یا European Single Electronic Format می‌گویند، برای گزارشگری اطلاعات مالی از جمله عملکردهای اداره یاد شده است. همچنین موارد بین‌المللی مرتبط با گزارشگری مالی فوق‌الذکر به ویژه در تعامل با ESMA یا European Securities and Markets Authority که همان «نهاد اوراق بهادار و بازارهای اروپایی» است، نیز در حیطه وظایف این بخش قرار گرفته است. گفتنی است نظارت بر انطباق با تعهدات گزارشگری مالی طبق «دستورالعمل شفافیت»^۲ از دیگر عملکردهای این اداره است به گونه‌ای که «دادگستری فدرال»، دیگر عهده‌دار این مسئولیت نخواهد بود. در حال حاضر دادگستری فدرال، مسئول افشای اطلاعات مالی سالانه کلیه ناشرانی است که شرکت آنها در آلمان به ثبت رسیده است.

نتیجه‌گیری

حق نظارت و دخالت سهام داران، حق مالی ناشی از مالکیت سهام در شرکت می‌باشد که با افزایش دارایی از رهگذر صدور سهام جدید به سهام داران تعلق می‌گیرد. این حق در ایران بنا به لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و در حقوق آلمان بنا به قانون نمونه ی شرکت‌های تجاری، مورد شناسایی قانونی قرار گرفت. مبنا و چارچوب نظری حقوق آلمان دخالت سهامداران در امر نظارت شرکت در اداره امور آن است؛ به نحوی که نمایندگان کارکنان در هر مرحله در کنار نمایندگان سهامداران در هیأت نظارت حضور دارند. از اینرو در کشور آلمان برای مشارکت و تصمیم‌گیری سهامداران قوانین روشن وضع شده است. این قوانین تأثیر بسزایی در حمایت از حقوق سهامداران در شرکت‌های سهامی دارند. هیئت نظارت در آلمان عموماً توسط سهامداران به عنوان بخشی از تصمیمی که توسط مجمع سهامداران تصویب می‌شود منصوب می‌شود. یک ابزار نظارت پیشگیرانه مهم مانند سازوکار جدید اجرایی گزارشگری مالی BaFin، نیاز به تأیید قبلی توسط هیئت نظارت برای اقدامات مدیریتی مهم توسط هیئت مدیره در آلمان است. با توجه به منطوق. ماده ۱۱۱ قانون اساسی، اساسنامه یا

¹ BilKo

² TUG

هیئت نظارت باید تعیین کند که چه نوع معاملاتی فقط با تأیید هیئت نظارت قابل انجام است. در صورتی که هیأت نظارت موافقت ننماید، هیأت مدیره می‌تواند از مجمع صاحبان سهام (سهامداران) درخواست کند که چنین موافقتی را صادر کند. هیئت نظارت در آلمان همچنین می‌تواند نوعی نظارت مستمر را از طریق اختیارات خود برای صدور آیین نامه داخلی برای هیئت مدیره اعمال کند. به این ترتیب هیأت نظارت می‌تواند رهنمودهایی (الف) در مورد نحوه فعالیت و (ب) همکاری با هیأت نظارت به هیئت مدیره بدهد. مقام ناظر بازار مالی (نهاد بافین) یک نهاد عمومی زیر نظر وزارت مالی و مستقل از بودجه دولتی است که مسئول نظارت یکپارچه بر بازار مالی آلمان شامل، بانک‌ها، بیمه‌ها و بازار معاملات اوراق بهادار است و بودجه آن از موسساتی که بر آنها نظارت دارد، تامین می‌شود. این نهاد، نظارت را با همکاری بانک مرکزی آلمان انجام می‌دهد، به این صورت که اغلب امور اجرایی نظارت شامل ممیزی موسسات و نظارت غیرحضورى را بانک مرکزی انجام می‌دهد و بافین را از نتایج آنها مطلع می‌کند و در نهایت، بافین تصمیمات لازم را اتخاذ و اعلام می‌کند. اگرچه نهاد بافین در حالت کلی وارد امور اجرایی شامل بازرسی محلی و ارزیابی خارج از محل نمی‌شود و این کار را بانک مرکزی انجام می‌دهد، اما بافین هم در صورت تمایل می‌تواند در بازرسی موسسات مشارکت داشته باشد. به طور کلی، نظارت یکپارچه توسط یک سازمان مستقل و نقش مهم بانک مرکزی در نظارت بانکی از ویژگی‌های مهم سیستم نظارت مالی در کشور آلمان است. بافین به ثبات عملیاتی و امنیت شرکت‌های تحت نظارت خود تمرکز ویژه‌ای دارد. به عبارت دیگر تمرکز بر پلتفرم‌های فناوری که شامل جلوگیری از افزایش بالای ریسک‌های فضای مجازی (سایبری) و تغییرات در پروفایل ریسک شرکت‌ها را مدنظر دارد که این امر ممکن است ناشی از پراکندگی زنجیره ارزش، به ویژه به دلیل برون سپاری امور ایجاد شود.

از طرفی بافین به منظور اجرای قانون جدید در بازار سرمایه، ساختارها و فرآیندهای داخلی خود را مطابق با مسئولیت‌ها و اختیارات تفویضی جدید تغییر داده و اداره جدیدی تحت عنوان «مدیریت نظارت بر صورت‌های مالی» به منظور اجرای فرایند جدید گزارشگری مالی، ایجاد کرده است.

در مجموع می‌توان گفت نظارت در شرکت‌ها پیرامون نظارت در شرکت‌ها با تاکید بر حقوق سهامداران با چالش‌های ساختاری و قانونی مانند ساکت ماندن قوانین ایران درمورد تعیین نحوه رابطه ناظر با شرکت، تعیین قوانین صریح در آیین مدنی پیرامون نظارت در شرکت‌ها با تاکید بر حقوق سهامداران می‌باشد. این وظیفه هیئت مدیره خواهد بود که حقوق سهامداران را ارتقاء دهد، موانع اعمال حقوق سهامداران را برطرف کند، و امکان رسیدگی به حقوق سهامداران را فراهم کند. هیئت باید حق رای سهامداران و حل مشکلات اقدام جمعی را از رهگذر سازوکارهای مناسب تشویق کند. هیئت باید راه را برای تشکیل پرونده الکترونیکی و توزیع اطلاعات سهامداران لازم برای تصمیم‌گیری آگاهانه با رعایت محدودیت‌های قانونی هموار کند.

منابع

فارسی

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹). حقوق شرکت‌های تجاری (جلد دوم) شرکت‌های سهامی عام و خاص. انتشارات سمت. تهران
۲. بهشتی، شقایق، اسکینی، ربیعا، پاسبان، محمدرضا، زارع، علی (۱۳۹۸). وضعیت حقوقی سهام قابل بازخريد و بازخريد سهام عادی در نظام حقوقی ایران و انگلستان، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱
۳. بهشتی، شقایق، پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۸). سهام بدون حق رأی و شرایط سلب و تحدید حق رأی سهام (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان)، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۸۶
۴. پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۴). حقوق شرکت‌های تجاری تهران: انتشارات سمت.
۵. پاسبان، محمدرضا، فرخی، سیدهدای، بیگی، احمد (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی حقوق سهامدار اقلیت در تجزیه شرکت‌های سهامی (ایران و انگلستان)، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۶
۶. پاسبان، محمدرضا، نیک‌نژاد، جواد (۱۳۹۳). جایگاه حقوقی مدیران در شرکت‌های سهامی، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۴
۷. پورسید، سید بهزاد (۱۳۹۵). راهکارهای بهبود نظام نظارت بر شرکت ایران، با تأکید بر شاخص حمایت از سهامداران خرد بانک جهانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۸۱
۸. تقوی، رضا (۱۳۹۵). راهکارهای حمایت از حقوق سهامداران جزء، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز
۹. تقی‌پور، بهرام، عابدینی، حسین (۱۳۹۸). رویکرد نظام حقوقی ایران به شاخصه‌های کلیدی نظام اداره شرکت‌های سهامی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، شماره ۳
۱۰. ره‌پیک، سیامک، «مروری دوباره بر قاعده لا ضرر و تأثیر آن بر ضرر متعهد»، فصلنامه دیدگاه‌های مبانی فقهی حقوق اسلامی «بهار و تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۲۵ (صفحه ۲۰۵) حقوقی، ش ۱۳ و ۱۴، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. طجرو، رضا، حسین‌زاده، احسان (۱۳۹۴). بررسی حقوقی و تطبیقی مشارکت کارگران در هیات مدیره شرکت‌های تجاری، پژوهشنامه‌ی حقوق تطبیقی، سال اول، شماره اول
۱۲. طهماسبی، علی (۱۳۹۴). چالش نمایندگی سهامداران خواهان دعوای مشتق در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلیس، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ی دوره ۱، ش ۳
۱۳. کنعانی، محمد طاهر، حقوق سهام داران اقلیت در شرکت‌های سهامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳ ش.
۱۴. یحیی‌پور، جمشید (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی مدل‌های حاکمیت شرکتی و ارائه مدل مناسب برای حاکمیت شرکتی حقوق شرکت‌های سهامی ایران

لاتین

1. Uwe Hüffer: Aktiengesetz. Kommentar. Verlag C. H. Beck, 9. Auflage. München 2010, ISBN 978-3-406-60077-7.p123
2. Kaufhold, Ann-Katrin;Langenbucher, Katja; Blank, Patrick BaFin (in) dependence - a reform proposal PDF Logo.2022. Series/Report no.: SAFE White Paper No. 8
3. Thomas Heidel (Hrsg.): Aktienrecht und Kapitalmarktrecht. Kommentar, 3. Auflage. Nomos. Baden-Baden 2011, ISBN 978-3-8329-5606-6 .p.65
4. Sendel-Müller, Markus; Weckes, Marion: Gewinn- undErfolgsbeteiligung, Betriebs- und Dienstvereinbarungen Analyseund Handlungsempfehlungen,Eine Schriftenreihe der Hans-Böckler-Stiftung,Bund-Verlag GmbH, Frankfurt am Main, 2013.p87.